

علل رشد و توسعه صندوق های قرض الحسنه و ورود این موسسات به فعالیت های اقتصادی

حسنات و سیئات

همه چیز زیر سر دولت است. این گزاره‌ای است که در بررسی اغلب زمینه‌های اقتصادی به آن برمی‌خوریم. به عبارتی بسیاری از نارسایی‌های اقتصادی از نظر کارشناسان به حساب دولتی بودن اقتصاد در ایران گذاشته می‌شود. بازار پول و اعتبار و نظام بانکداری نیز از این امر مستثنی نیست. در چند سال اخیر در کنار بانک‌های بزرگ، صندوق‌های قرض‌الحسنه رشد و توسعه یافتند. گو اینکه ایجاد این صندوق‌ها برای پاسخگویی به نیازهای خرد مردم در اغلب نظام‌های بانکی ـ از دولتی گرفته تا خصوصی ـ توجیه‌پذیر است، اما آنچه که این صندوق‌ها را از مشابه آنها در گذشته و از نظام بانکداری غیردولتی متمایز کرده، توسعه غیرقابل انکار و جذب مقادیر بالایی از وجوه بازار است. همین خصیصه به گفته کارشناسان باعث واکنش نظام بانکی دولت در کشور شده است، هرچند صندوق‌های قرض‌الحسنه سهم اندکی از بازار پول را به خود اختصاص داده‌اند. گذشته از اختلالاتی که به ادعای برخی از صاحب‌نظران گسترش قرض‌الحسنه‌ها بویژه به لحاظ ورود این صندوق‌ها در عملیات بانکداری در نظام بانکی کشور ایجاد می‌کند، هر از چند گاهی بحران‌های مالی برخی از صندوق‌ها نیز گریبان سپرده‌گذاران را می‌گیرد؛ و اتفاقاً این ماجرای دوم بازتاب‌های اجتماعی سریع‌تر و تأثیرگذارتری دارد و لزوم ساماندهی به وضعیت صندوق‌های قرض‌الحسنه را بیش از پیش مطرح می‌کند.

تاریخ پیدایش صندوق‌های قرض‌الحسنه به سال‌های پیش از انقلاب برمی‌گردد. در آن زمان اغلب فعالان حوزه بازار به شیوه‌ای سنتی در حاشیه بازار اقدام به تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه می‌کردند، اما پس از انقلاب این صندوق‌ها گسترش یافتند و تحت تأثیر شرایط بوجود آمده، نقش موثری در بازار پول و اعتبار پیدا کردند. گو اینکه مقاصد خیرخواهانه مؤسسان بسیاری از این صندوق‌ها غیرقابل انکار است.

در فضیلت استقراض

بارزترین ویژگی صندوق‌های قرض‌الحسنه، اعطای وام‌های کم‌بهره و گاه بدون بهره به سپرده‌گذاران است. این ویژگی به اضافه شرایط ساده‌تر پرداخت وام و سرعت عمل این صندوق‌ها نسبت به نظام بانکداری دولتی اقبال مردم و رونق کسب و کار را برای آنها به همراه آورد. اغلب صندوق‌های قرض‌الحسنه از شیوه پلکانی برای پرداخت وام بهره می‌برند. به عبارتی سپرده‌گذار پس از پایان دوره‌ای شش‌ماهه می‌تواند، از وامی معادل میزان سپرده خود بهره ببرد. در شرایطی که نرخ تورم به‌طور رسمی هر سال از سوی بانک مرکزی رقمی در حدود ۱۵ درصد اعلام می‌شود و با احتساب میزان افزایش دارایی (مثل افزایش قیمت مسکن) که نرخ غیررسمی تورم را به چیزی حدود ۱۸ درصد می‌رساند، نرخ بهره وام‌های قرض‌الحسنه با در نظر گرفتن کارمزد، حداکثر به رقمی حدود ۳ درصد می‌رسد. با این وضعیت ارزش اعتباری سرمایه‌های سرمایه‌گذاران صندوق‌های قرض‌الحسنه هر سال کاهش می‌یابد. از طرفی به‌تدریج که نوبت وام سپرده‌گذاران فرا می‌رسد، احتمال بحران مالی صندوق نیز بیشتر می‌شود، چه اگر میزان سپرده‌گذاری در دوره‌های بعدی کاهش یابد، پرداخت وام به سپرده‌گذار نیز با مشکل مواجه می‌شود.

بسیاری از صندوق‌های قرض‌الحسنه برای گریز از این دو روند غیرقابل اجتناب به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌هایی نظیر ساخت و ساز و بورس پناه آورده‌اند. این مسیری است که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان با نفس وجودی قرض‌الحسنه در تضاد است و به نوعی ورود به فعالیت‌های غیرمرتبط و بانکی محسوب می‌شود. در سال‌های اخیر کم نبوده‌اند، صندوق‌هایی که یا به دلیل استهلاک سرمایه و یا به دلیل سرمایه‌گذاری‌های نابجا دچار ورشکستگی شده‌اند و اتفاقاً هجوم سپرده‌گذاران در این مقاطع جهت استرداد وجوه خود به بحران مالی صندوق نیز دامن زده است. با این همه هنوز صندوق‌های قرض‌الحسنه مشتری‌های پروپاقرصی دارند و هر روز به میزان محبوبیت آنها افزوده می‌شود.

ضرورت استسفار

اینکه گسترش صندوق‌های قرض‌الحسنه را به دولت نسبت دادیم، پر بیراه نیست، اما نه به آن معنا که دولت به‌طور مستقیم در این امر دخالت دارد. بلکه به گفته دکتر حسن کدخدایی، استاد دانشگاه تهران، نظام بانکداری دولتی علت اساسی شکل‌گیری این صندوق‌هاست. چون این نظام باعث شده بخش عمده تسهیلات با عنوان تسهیلات تکلیفی به سمت دولت برود. در نتیجه بخش خصوصی و عامه مردم از بازار پول نصیب عمده‌ای ندارند. دکتر کدخدایی می‌گوید: «بانکداری

دولتی به اندازه تقاضای مردم عرضه ندارد و قید و بندهای زیادی برای اعطای تسهیلات فراهم کرده است. از سویی بالا رفتن هزینه زندگی و نبود تعادل میان درآمد و هزینه خانوار باعث شده بسیاری از مردم نیازمند تسهیلات بانکی باشند. در چنین شرایطی این موسسات برای پر کردن این خلأ پدید آمدند.»

ناکارایی نظام بانکی دولتی نکته‌ای است که مورد تأیید اغلب کارشناسان اقتصادی قرار می‌گیرد. حتی دکتر جمشید پژویان، استاد دانشگاه علامه طباطبایی، رونق شرکت‌های مضاربه‌ای و انتشار انواع اوراق مشارکت را نیز به این ناکارآمدی نسبت می‌دهد. به گفته وی اگر نظام بانکداری بتواند منطبق با خواسته‌های مردم خدمات خود را ارائه دهد، مجال فعالیت گسترده چنین موسساتی فراهم نمی‌شود. پژویان می‌گوید: «نه تنها رونق صندوق‌های قرض‌الحسنه، بلکه رونق شرکت‌های مضاربه‌ای و انتشار اوراق مشارکت در دهه اخیر به دلیل ناکارآمدی نظام بانکی دولتی صورت گرفت. با این تفاوت که چون اوراق مشارکت نیازمند تأیید بانک‌های رسمی کشور بود به اندازه شرکت‌های مضاربه‌ای و صندوق‌های قرض‌الحسنه رونق پیدا نکرد.»

همان‌گونه که گفته شد صرف‌نظر از علل رشد و توسعه صندوق‌های قرض‌الحسنه، ورود این موسسات به فعالیت‌های اقتصادی تبعاتی به دنبال دارد، گو اینکه این تبعات به اعتقاد برخی از کارشناسان مثبت به اعتقاد برخی منفی است. مخالفان معتقدند در اختیار گرفتن منابع بزرگ مالی از سوی این صندوق‌ها می‌تواند ثبات اقتصادی یک نظام را تحت تأثیر قرار دهد. بحران مالی آلبانی که حاصل تجمیع وجوه مردم در جایی خارج از سیستم بانکی رسمی بود، به عنوان یک نمونه از سوی برخی از صاحب‌نظران مطرح می‌شود. بی‌شک صندوقی با بیش از ۵۰۰ هزار نفر سپرده‌گذار، دیگر حکم یک موسسه مالی را دارد که نیازمند نظارت کامل و دقیق دولت است، اما به اعتقاد دکتر کدخدایی صرف‌نظر از مشکلات و مسایلی که برخی از اینها به وجود آورده‌اند، این صندوق‌ها عموماً در جهت تأمین نیازهای مالی جامعه حرکت کرده‌اند: «به همین دلیل جامعه استقبال زیادی از اینها به عمل آورد.»

دکتر پژویان نیز فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه را برای انجام یک سری کارهای تعاونی در بین مردم بسیار مفید می‌داند: «اینکه کسی پولی را جایی بگذارد که مردم بیایند و وام بگیرند، کار خوبی است، اما تبدیل این مؤسسات به بنگاه اقتصادی می‌تواند اختلالاتی در بازار پول و اعتبار ایجاد کند.»

اما حتی مخالفان فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه نیز به این امر اذعان دارند که سهم اندک این صندوق‌ها در بازار پول کشور هرگز نمی‌تواند بحران‌زا باشد. با این حال در یکی دو سال اخیر موضع‌گیری‌ها علیه صندوق‌های قرض‌الحسنه شدت بیشتری گرفته است. بسیاری این مخالفت‌ها را که عمدتاً از ناحیه بانک‌ها صورت می‌گیرد ناشی از رقابت نامحسوس سیستم بانکی با صندوق‌های قرض‌الحسنه می‌دانند. به اعتقاد دکتر پژویان طبیعی است که جذب مشتری توسط صندوق‌های قرض‌الحسنه چندان خوشایند بانک‌ها نباشد: «بانک‌های دولتی از نظر نقدینگی پاسخگوی مردم نیستند. چرا که به دلیل دولتی بودن به دنبال مشتری بیشتر و سود بالاتر نیستند.»

از سوی دیگر تأسیس بانک‌های خصوصی بویژه اگر با ارائه تسهیلات متنوع همراه باشد، می‌تواند بازار قرض‌الحسنه‌ها را از رونق بیاندازد. اما مسأله اساسی در این میان، پیروی بانک‌های خصوصی از نظام بانکی دولتی است، گو اینکه شرایط پرداخت تسهیلات در این بانک‌ها از بانک‌های دولتی ساده‌تر است. به گفته دکتر پژویان مجموع بانک‌های خصوصی ایران حتی از کوچکترین بانک دولتی هم کوچکتر است: «در نتیجه قادر نیستند، نظام بانکی را تغییر دهند. در این وضعیت اگر بانک‌های خصوصی به توفیقی دست یابند، به خاطر عدم کارآیی نظام بانکی دولتی است. وقتی بانک خصوصی در ۴۸ ساعت نیاز مشتری را رفع می‌کند، بدیهی است کار آنها رونق بیشتری می‌تواند بگیرد.»

برگردیم به مشکلات و اختلالاتی که صندوق‌های قرض‌الحسنه ممکن است در نظام بانکی کشور بوجود آورند. با آنکه هنوز مفهوم پولشویی در نظام مالی، اعتباری ایران چندان شناخته شده نیست و هنوز لایحه مبارزه با آن اجرایی نشده، اما انجام پولشویی از طریق موسساتی نظیر قرض‌الحسنه‌ها احتمالی است که همواره از سوی بسیاری از مسؤولان و صاحب‌نظران مطرح می‌شود.

به گفته دکتر کدخدایی سیستم بانکی دولتی کنترل‌های خاصی دارد، بنابراین کسانی که قصد پولشویی از طریق سیستم بانکی را دارند، با مشکلاتی مواجه می‌شوند: «موسسات مالی بهترین کانال برای کسانی هستند که می‌خواهند پولشویی کنند. این موسسات به عنوان شخصیت حقوقی به شکل مشروع و قانونی می‌توانند در هر بانکی حساب داشته باشند و پروسه سوال را طی نکنند.»

وی احتمال اینکه برخی پولشویی‌ها از طریق این موسسات انجام شود را رد نمی‌کند. اما به اعتقاد دکتر پژویان چون جریان وجوه عموماً در ایران کنترل نمی‌شود، افراد چندان نیازمند قرض‌الحسنه‌ها برای انجام پولشویی نیستند. آنچه که واضح است، مشکلاتی است که اکنون بسیاری از صندوق‌های قرض‌الحسنه با آن دست به گریبانند. آشنا نبودن با قواعد بانکی در سطح کلان، ورود غیر حساب شده به فعالیت‌های اقتصادی و دلایلی نظیر اینها ازجمله عوامل مشکل‌زای صندوق‌های قرض‌الحسنه است. پیش از این از شیوه غالب قرض‌الحسنه‌ها سخن به میان آوردیم. پرداخت پلکانی وام می‌تواند از مشکلات اصلی این صندوق‌ها باشد به‌طوری که خواه‌ناخواه پس از چند سال با کاهش سپرده‌گذاری، چک‌هایی روی دست مشتریان قرض‌الحسنه‌ها می‌ماند که قابل وصول نیست.

دکتر کدخدایی می‌گوید: «چون این موسسات سیستم بودجه‌ریزی بانکی را رعایت نمی‌کنند، دچار اینگونه معضلات می‌شوند. براساس نظام مالی بانکی باید همواره بانک‌ها و موسسات پولی بخشی از منابع را به عنوان وام واگذار کند و درصد دیگری را به عنوان ذخایر نگاه دارند، تا بتواند در شرایط خاص به سرعت به مراجعات پاسخ دهند و در برابر سپرده‌گذار به مشکلی برنخورند. اما در این صندوق‌ها برعکس عمل می‌شود. چون از مدیریت بانکی به خوبی بهره نبرده‌اند، نتوانستند، برای سپرده‌گذاران اطمینان‌بخش باشند. از سویی بدنامی یکی از این موسسات عموماً به قیمت بی‌اعتباری بقیه تمام شده است.»

البته برخی نیز احتمال مسایلی فراتر از مسایل اقتصادی در خدشه وارد کردن به فعالیت‌های قرض‌الحسنه‌ها را منتفی نمی‌دانند. چنان‌که به گفته دکتر پژویان جذب وجوه مردم توسط این صندوق‌ها، باعث عصبانیت بانک مرکزی شده است. مسایل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و بازرگانی ازجمله مسایلی است که دکتر کدخدایی وجود آنها را در پدید آمدن مشکلات قرض‌الحسنه‌ها دخیل می‌داند: «هر چند تاکنون اطلاعاتی دال بر وجود این دلایل منتشر نشده، اما به نظر می‌رسد، مسایل قرض‌الحسنه‌ها و مشکلاتی که آنها به آن متهم می‌شوند، چیزی فراتر از رعایت نکردن نظام بانکی باشد.»

دکتر کدخدایی نیز وجود این صندوق‌ها را به لحاظ تخصصی لازم می‌داند. «در تمام دنیا در کنار بانک‌ها، موسسات پولی ارائه‌دهنده تسهیلات خرد به عامه مردم خدمت می‌دهند. این موسسات مانند مغازه‌های خرده‌فروشی سرکوچه هستند که نیازهای خرد مردم را تأمین می‌کنند. در انگلستان اینگونه موسسات ده‌ها و صدها شعبه دارند. در فرهنگ ما نیز این موسسات، هم به لحاظ قانونی و هم شرعی پایگاه قابل قبولی دارند.»

... و اما استنتاج

وجودشان لازم است، اما باید تحت نظارت و کنترل در آیند. بی‌شک موسسات قرض‌الحسنه باید به تناسب کاری که انجام می‌دهند، تعریف جدیدی بیابند. برای مثال آن دسته که وارد فعالیت‌های بزرگ اقتصادی می‌شوند، می‌توانند عنوان خود را به موسسه مالی اعتباری تغییر داده و با استفاده از ضوابط این موسسات به فعالیت خود به شکل رسمی و علمی ادامه دهند. ازجمله دستاوردهای مدیریت مالی در دنیای جدید، شفافیت است. این صندوق‌ها نیز به عنوان فعالان اقتصادی ملزم به شفاف‌سازی سیستم مالی خود هستند. گو اینکه لایحه ساماندهی وضعیت صندوق‌های قرض‌الحسنه از سوی شورای نگهبان برای اصلاح پاره‌ای از ایرادها عودت داده شده، اما تصویب این لایحه می‌تواند این موسسات را زیر چتر رسمی نظارت دولتی قرار دهد. با این وصف صندوق‌های قرض‌الحسنه تحت این عنوان تنها می‌توانند به انجام امور قرض‌الحسنه‌ای مبادرت ورزند و سیستم وام پلکانی نیز از عملیات مالی آنها حذف خواهد شد. با این حال به نظر نمی‌رسد، تنها تصویب این لایحه بتواند مشکلات حاکم بر بازار مالی، اعتباری ایران را حل کند.